

سر مقاله

ادامه از صفحه یک ...

برای چنین تصمیمی وجود داشته است. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که آن‌ها هنوز مطمئن نیستند که آیا این پهباد در حریم سرزمینی ایران مورد اصابت قرار گرفته یا اینکه در آب‌های بین‌المللی بوده است، به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها به‌رغم اینکه ادعا می‌کنند این پهباد در آب‌های بین‌المللی بوده ولی در این گفته تردید دارند و مطمئن نیستند که محدوده پرواز این پهباد دقیقاً کجا بوده است، بنابراین شاید آن‌ها به دنبال این هستند که در این زمینه مطمئن شوند و اسناد خود را در این زمینه به نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل بدهند و بعد از آن احتمالاً دست به اقدامی بزنند.

شاید هم بتوان گفت یکی از دلایل اصلی که «ام‌پ» براساس گفته‌اش در تصمیم خود جهت حمله به ایران تجدیدنظر کرده‌نامشخص بودن واکنش ایران نسبت به این موضوع بوده است، در واقع آمریکایی‌ها مطمئن نبودند که تهران در پاسخ به این حمله و احتمالاً کشته شدن تعدادی از نیروهای ایرانی چه واکنشی نشان می‌دهد، آن‌ها این احتمال را می‌دادند که ایران واکنش تلافی‌جویانه‌ای داشته باشد و درگیری نظامی هر چند محدود بین دو کشور ایجاد شود، بنابراین می‌توان گفت که یکی از دلایل آمریکایی‌ها در تجدیدنظر در تصمیمشان جهت حمله به ایران عدم اطمینان از نوع واکنش ایران به این موضوع بوده است. قطعاً اصلی‌ترین دلیل بحث تلفات بوده، اما نه تلفات ایرانی بلکه تلفات احتمالی آمریکایی و اسرائیلی.

بدیهی است که مشاوران نظامی رئیس‌جمهوری ایالات متحده به وی گزارش داده‌اند که شاید آمریکا توان انجام یک عملیات نظامی علیه ایران را داشته باشد، اما توان تحمل عواقب آن را نخواهد داشت. آن‌ها گوش‌زد کرده‌اند که احتمال بسیار وجود دارد همان‌هایی که ابایی از سرنگونی پهباد آمریکایی یا بازداشت نظامیان آن را ندارند در واکنش به انجام چنین عملیاتی نیروهای آمریکایی در منطقه را به صورت مستقیم هدف قرار دهند و جان هزاران نیروی آمریکایی مستقر در کشورهای منطقه را به جان بخرند. آن‌ها احتمالاً گفته‌اند که چنین حملهای حتی اگر منجر به واکنش مستقیم ایران نشود، قطعاً منجر به واکنش غیر مستقیم ایران از طریق هم‌پیمانانش در منطقه خواهد شد. نکته مهم این است، تهدیدی که متوجه اسرائیل است از طرف موشک‌های بالستیک ایرانی نیست بلکه از طرف موشک‌هایی است که در اختیار حزب‌الله و جبهه مقاومت قرار دارد. چون موشک‌های بالستیک حدود نیم ساعت وقت نیاز دارد که از ایران به هدف خود برسد، اما موشک‌هایی که در اختیار حزب‌الله و نیروهای مقاومت استست طرف ده یا بیست ثانیه می‌توانند به هدف برسند. قطعاً مشاوران ترامپ گوش‌زد کرده‌اند که هم‌پیمانان ایرانی که از افغانستان تا در یای مدیترانه منتشر شده‌اند، می‌توانند با خمپاره و نه با موشک نیروهای آمریکایی را هدف قرار دهند. با توجه به این ماجراها می‌توان گفت دلیل اصلی خودداری آمریکا از انجام عملیات، جان ۱۵۰ نفر ایرانی نبوده بلکه توانمندی ایران در واکنش به این عملیات در کل منطقه بوده و همین ماجراست که امنیت ایران را تأمین می‌کند.

همچنین باید گفت ترامپ به تازگی فعالیت‌های تبلیغاتی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ به صورت رسمی آغاز کرده و در چنین برهه‌ای علاقه‌مند نیست وارد جنگ شود. جنگی که تبعات آن مشخص نیست و ممکن است باعث کشته شدن سربازان آمریکایی شود و این قطعاً موضوعی است که بر روند تبلیغات ترامپ تأثیر منفی می‌گذارد. در نهایت باید گفت برخی از تحلیل‌گران می‌گویند افزایش تنش و وقوع درگیری نظامی بین دو کشور امری اجتناب‌ناپذیر است و برخی دیگر نیز معتقدند که دو طرف ایران و آمریکا به خاطر ترس از عواقب جنگ در اوج تنش‌ها در نهایت راهی را برای مذاکره پیدا می‌کنند و این زمانی رخ می‌دهد که ایران احساس کند، توانانی وجودی دارد و درموضع ضعف قرار ندارد.

در مجموع روند اتفاقات و مسائل بیانگر این‌موضوع است که در آینده نزدیک شاهد کاهش تنش بین دو کشور نخواهیم بود.

اسم فروشگاه‌های «افق کوروش» در قم «افق» است

معاون فرهنگی دادگستری قم / عبدالعجید یزدی:مراجع تقلید اجازه برگزاری کنسرت در این شهر مذهبی را نمی‌دهند یا در تمام کشور «افق کوروش» اسم فروشگاه‌های خاصی است، ولی در قم اسم این فروشگاه‌ها «افق» است.اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قم به دلیل حضور مراجع تقلید، حوزه علمیه و به ویژه بارگاه حضرت معصومه (س) حساسیت‌ها و ملاحظاتی در صدور مجوز اعمال می‌کند و بر این اساس، آیین‌هایی که در استان‌های دیگر برپا می‌شود، در این شهر قابل برگزاری نیست. هر دستگاهی که قصد برگزاری جشنی دارد، باید مجوز اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی را اخذ کند که در این صورت بلامانع خواهد بود.

۲

راخيل رحمانی / گروه سياست
Rahil.Rahmani@gmail.com

«بیانیه‌های ما هیچ خاصیت اجرایی ندارد؛ به طور مثال در رژه ۳۱ شهریور خوزستان که مردم توسط ضد انقلاب، تکفیری‌ها و تروریست‌ها به خاک و خون کشیده شدند؛ دستگاه‌های مختلف نیز بیانیه دادند و محکوم کردند. آیا این‌بعد اجرایی ثمره و خاصیت داشت؟ خیر، فقط محکومیت است. بیانیه‌هایی که ما در مجلس دادیم اظهارنظر و اعلام موضع است و خاصیت و نتیجه اجرایی ندارد ولی قطعنامه‌هایی که آمریکایی‌ها صادر کردند در مسیر اجرا قرار گرفته و برای دستگاه‌های ذیربط تکلیف ایجاد کرده است.»

این‌ها را «حجت‌الاسلام مجتبی ذوالنور نماینده مردم قم و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس» اخیراً گفته بود. با این حال نمایندگان مجلس همچنان خود را مکلف به «وظیفه» می‌دانند و مکلف به «نتیجه» نمی‌دانند و بر همین اساس هر گاه احساس کنند باید بیانیه بدهند، این کار را می‌کنند. چه در محکوم کردن آمریکا و اقدامات مبتنی بر سیاست دشمنی‌اش باشد و چه تقدیر و تشکر و تجلیل از اقدام نیروهای مسلح کشورمان یا هر موضوع دیگری. روز گذشته نیز ۲۵۰ نماینده بهارستان‌نشین در بیانیه‌ای، سرنگونی پهباد آمریکایی به دست پدافند هوایی سپاه پاسداران کشورمان را مورد تقدیر قرار دادند. نمایندگان در این بیانیه تأکید می‌کنند که: «سرنگونی این پهباد معادلت روانی دشمنان را بر هم ریخت و دیگر هیچ پرنده متجاوزی توان ورود به آسمان ایران را نخواهد داشت.» سابقه بیانیه‌های مجلسی زیاد است. فروردین ماه امسال بود که ۲۵۵ نماینده مجلس در بیانیه‌ای حمایت همه جانبه خود از نیروهای مسلح جمهوری

نه چریکم و نه پیر؛ جوانم و اصلاح‌طلب

فعال اصلاح‌طلب / بهزاد نبوی: تنه‌اراه، حفظ وحدت ملی و حمایت همه‌جانبه از هر دولتی است که بر کشور حاکم است. معتقدم آدم‌های خوب هم می‌توانند با هم اختلاف فکری داشته باشند. در همین دیدار اخیر که با آقای روحانی بر گزار شد، با آقای احمد توکلی بودیم و عکسی هم منتشر شد که هر دو عصا به دست و در کنار و دست‌در دست هم هستیم و در مورد آن عکس حرف‌های زیادی زده شد؛ چرا که خیلی‌ها نمی‌توانند بپذیرند که اختلاف فکری مان به‌جای خود ولی یکدیگر را به‌عنوان دو فرد موجه قبول داشته باشیم. درضمن درباره عبارت چریک پیروگیم نه چریکی‌اش درست است و نه پیری‌اش. هم جوانم و هم اصلاح‌طلب؛ نه چریک.

به بهانه تازه‌ترین حرکت دسته جمعی نمایندگان مجلس در تقدیر از یک اقدام ملی؛

بیانیه‌های بهارستانی



بهزاد نبوی

این مناسبت می‌تواند در تقویم ثبت شده باشد و می‌تواند به بهانه یک اقدام یا یک اتفاق باشد. «محکومیت آمریکا» و «تقدیر از نیروهای مسلح» جایگاه ویژه‌ای در بیانیه‌های بهارستانی دارد. به عنوان مثال نمایندگان مجلس به مناسبت ۳۱ مرداد روز صنایع دفاعی کشور، بیانیه‌ای در حمایت از پیشرفت‌های صنایع دفاعی این کشور قرائت کرده و از تلاش‌های کارآمد وزارت دفاع برای صیانت و بالادستی صنایع دفاعی و نقش آفرینی در اقتدار علمی و دفاعی و سهم مؤثر در تکوین اقتصاد مقاومتی قدردانی کردند. یازار دپیهشت‌ماه امسال هم‌زمان با روز ۲۹ فروردین سالروز ارتش جمهوری اسلامی

یک پیشنهاد اجرایی در مسیر بهبود وضع مملکت؛

مدیران چرنوبیل نظام را بر کنار کنید

مسعود طائفی فیجانی / عصر ایران: برای ما ایرانی‌ها، سریال چرنوبیل از جهات مختلف ارزش نگاه کردن دارد. این سریال هنرمندانه ابعاد مختلف شکل‌گیری یک فاجعه را به تصویر کشیده است. عطلش و اشتباهی چند مدیر حکومتی نیروگاه چرنوبیل به رشد، ارتقا و ترفیع مقام سبب می‌شود که آن‌ها در گزارش‌های دروغ وضعیت نیروگاه را مطلوب مخابره و سلسله آزمایشاتی را برای اثبات ادعای خود برنامهریزی کنند. به‌رغم ناموفق بودن نتیجه آزمایشات و برخلاف نظر کارشناسان اقدام به تکرار آن‌ها می‌کنند و نهایتاً فاجعه رخ می‌دهد. بعد از بروز فاجعه نیز سعی می‌کنند ابعاد آن را جزئی و محدود گزارش کنند تا خیال مسئولان و مدیران ارشد آسوده باشد. اینان فاجعه‌ای را که پس از سی سال همچنان از ساکنان اروپا و شوروی سابق قربانی می‌گیرد به خرابی سقف یکی از سالن‌های نیروگاه تقلیل دادند. ولی حقاقت و تعصب ذاتی مدیران به همین خاتمه نمی‌شود، ایشان به جای تخلیه مردم از محدوده پر خطر، آنجا را قرنطینه کرده و مانع خروج مردم شدند تا اخبار ناشی از این اتفاق به بیرون درز نکند و این خود بر حجم قربانیان و گسترش ابعاد فاجعه می‌افزاید. سرانجام با ورود مستقیم یکی از مسئولان ارشد و البته سالم حاکمیتی و کمک چندتن از دانشمندان شرافتمند به وی، عمق فاجعه مشخص و تلاش برای رفع و رجوع صحیح آن آغاز می‌شود و نهایتاً دتشر و رشادت توان‌مان این نخبگان کاربلد و شریف پرده از واقعیت برداشته و فداکاری چندتن از آن‌ها مانع تکرار فاجعه می‌شود. یکی از رزیتارین سکانس‌های سریال لحظه‌ای است که مدیر نیروگاه به محض دیدن نماینده دولت شوروی فهرستی را که از مقصران اصلی حادثه تهیه دیده، برای تبریئه خود ارائه می‌کند. هرچند نهایتاً وی و شرکایش مجازات می‌شوند ولیکن چندین هزار کشته، میلیون‌ها نفر آسیب‌دیده و میلیون‌ها دلار خسارت ناشی از جاه‌طلبی و فریبکاری چندین مدیر ریاکار، دروغگو، ناکارآمد و متناقض برجای می‌ماند. تهرجیرای از مسائل این چنینی را که ما نیز در کشور با آن‌ها مواجه هستیم در این سریال به تصویر کشیده شده است. انتصاب برخی مسئولان نالایق، ریاکار، متناقض و ناکارآمد و متظاهر که البته به همت چاپلوسان و ندیمان بادمجانی پیرامون خود توهم دانیی و خردمندی هم دارند، شکل‌گیری گام به گام زمینه‌های فاجعه، هشدارهای کارشناسان در خصوص احتمال بروز حادثه، بر خروج مستبدانه مدیران سرسپرده و متعلق با کارشناسان و تهدیدشان به تنبیه و اخراج، وقوع فاجعه و گسترش لحظه به لحظه آن، تلاش مدیران برای لاپوشی و پنهان‌کاری و ارائه گزارشات دروغ و خلاف در خصوص ماهیت و ابعاد حادثه، متهم ساختن کارشناسان و متخصصان به سیاه‌نمایی و سرانجام خسارت‌های وحشتناک انسانی و مالی ناشی از این زنجیره معیوب و... به همراه دارد. گورباچف در خاطرات خویش انفجار اتمی چرنوبیل را یکی از دلایل فروپاشی شوروی سابق برشمرده است. بهتر است مدیران چرنوبیلی نظام را هرچه سریع‌تر بر کنار و مجازات کنیم تا بیش از این به نظامی که خون‌بهای صدها هزار شهید و میلیون‌ها آزادی‌خواه است، صدمه نزنند.



پهباد اخیر آمریکایی‌ها با آتش سامانه پدافند موشکی «سوم خرداد» نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مورد هدف قرار گرفته و ساقط شده است.



دستگیری معلمان معترض شیلیایی که برای اعتراض به تغییر نظام آموزشی این کشور در شهر «سانتیاگو»

– پایتخت – دست به تظاهرات زده‌اند.

درآمد ۱۰۰۰ دلاری از ورود هر عراقی به ایران!

سفیر ایران در عراق / ایرج مسجدی: به‌طورمستوسط هر جهانگرد عراقی که به ایران سفر می‌کند حداقل ۱۰۰۰ دلار هزینه می‌کند و این از نظر اقتصادی درآمد خوبی برای ایران در دوره تحریم‌ها علیه کشورمان است. درسه ماه اول سال ۱۳۹۸ سفر اتباع عراق به ایران به‌طور چشمگیری افزایش یافته و پیش‌بینی می‌شود با توجه به آغاز فصل تابستان بر تعداد این سفرها افزوده شود، گفت: این افزایش چشمگیر جهانگرد فرصتی است که باید به خوبی از آن استفاده کرد. لازم به تأکید می‌دانم سفر به عراق بدون اخذ روادید ممکن نیست و اگر کسی بدون ویزا وارد عراق شود این اقدام ورود غیرقانونی به حساب می‌آید.

سیاست Policy

NasleFarda.net
naslefardanews
naslifarda

بین‌الملل

چگونه می‌توان از فرصت تحریم‌ها

سود برد؟

تولید داخلی چاره تحریم خارجی

محسن حاج‌محمدی / کارشناس ارشد مدیریت و ارتباطات و مدرس دانشگاه

اقتصاد سیاسی ایران در دو دهه گذشته و در کنار همه درخشش‌ها و موفقیت‌های چشمگیر در عرصه ملی و بین‌المللی، گرفتار یکی از مخرب‌ترین و خطرناک‌ترین دوره‌های باطل تشدیدکنندگی توسعه‌نیافتگی و ضدپیشرفت خود شده است؛ این دور باطل، به «ر کودتومی» معروف است که در یک طرف «تورم همراه با رکود» و در طرف دیگر آن «نوسانات مستمر درآمدهای نفتی» قرار گرفته‌اند؛ این دور باطل «تورم رکودی» در شرایطی بوده است که استکبار جهانی و استعمار فرانو، پنجاه‌درینجه مرکز مقاومت و بیداری اسلامی جهان انداخته و مدام با انواع تهدیدهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نظام اسلامی را به چالش کشانده است. تورم رکودی – به‌طور غیرمتعارفی – تابع نحوه تعامل نظام سیاست‌گذاری اقتصاد کشور با نوسانات درآمدهای نفتی است؛ توضیح آنکه در دوران شگوفایی قیمت نفت، دولت‌ها معمولاً رویه انبساط مالی را در دستور کار قرار می‌دهند و این‌انضاده را مد تزریق شده، همچون یک ششوک بزرگ، تقاضای ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با اتخاذ رویکرد انبساط مالی، از آنجا که در کوتاه‌مدت تغییر متناسب در قسمت عرضه اقتصاد امکان‌پذیر نیست، کشور در شرایط تورمی قرار می‌گیرد و هنگامی که دولت با تلاش‌های از سر استیصال و عمدتاً رویه‌های کوتاه‌نگرانه، تلاش می‌کند بار فشارهای تورمی را کاهش دهد، ناگزیر به سمت سیاست آزادسازی واردات – گاه به‌طور افراطی – سوق پیدا می‌کند؛ که به‌دنبال آن هم خصلت اشتغال‌زدایی واردات، منشأ تحمیل و اضافه‌شدن رکود به شرایط تورمی اقتصاد ملی می‌شود. نکته دیگر این است که در دوران کاهش درآمدهای نفتی، دوباره با سازوکار دیگری این رکود تورمی گریبان اقتصاد ملی را می‌گیرد و یک دور باطل مهم توسعه‌نیافتگی پدید می‌آید؛ این عارضه این‌گونه قابل بررسی است که دولت در دوران رونق درآمد نفتی از طریق اتخاذ رفتارها و رویه‌های افراطی انبساط مالی، یک‌سری تعهدات مالی عمدتاً شتابان‌زده را بر عهده می‌گیرد، اما در دوره‌ای که با افت درآمدهای نفتی روبه‌رو می‌شود، دیگر با همان سهولت و سادگی که تعهدات را بر عهده گرفته بود، نمی‌تواند از مسئولیت آن‌ها شانه خالی کند و نتیجه این می‌شود که ساختار هزینه‌های دولت نسبتاً غیرمتعطف می‌شود؛ بنابراین در دوران افول درآمدهای نفتی که دولت با هزینه‌های ی‌سا اتعطف‌اندک روبه‌روست، طبیعتاً راه‌حلی که برمی‌گزیند عمدتاً راه‌حل‌های اشتباه‌زده و غیربلندمدت است. بدیهی‌است در دوران افول درآمدهای نفتی، دولت اگر بخواهد درآمدهای مالیاتی‌اش را افزایش دهد باید با رونق بخشی به بخش تولید ملی، ارتقای بهره‌وری و رشد کارآمدی دستگاه‌های اجرایی، اهتمام در مبارزه با فساد و... جبران مافات کند؛ اما از بد حادثه، این‌ها هیچ‌کدام در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیستند؛ پس باز دولت ناگزیر است راه‌حلی را برگزیند که بخواهد اضطراب‌های مالی دولت را جواب بدهد؛ در اینجا سیاست که راه‌حل‌های تورمزایی مانند افزایش قیمت ارز، خلق پول و استقراض از بانک مرکزی و دست‌درازی به منابع در آمدی وزارت نفت و صندوق توسعه ملی و... را برمی‌گزیند که نهایتاً نتیجه‌ای جز ادامه دور باطل تورم رکودی نخواهد داشت. راه نجات اقتصاد ایران در فوری‌ترین سطح، تمهید شرایطی است برای اینکه از این خطر فرآینده دور باطل رکود تورمی، خارج شود و به سمت «رونق تولید» شتاب

کند؛ و مهم‌ترین عنصر برای امکان‌پذیر کردن این مسئله، اجتناب از سیاست‌های ثبات‌زدا و شوک‌درمانی قیمتی در سطح کلان اقتصادی و هم‌زمان با آن حل‌وفصل موانع رونق تولید و مشکلات مولدان اقتصادی است. متأسفانه در اقتصادهای رانتی و نفتی، بیشترین جاذبه‌ها برای دولت‌های کوتاه‌نگر، دست‌کاری قیمت‌های کلیدی (نظیر قیمت ارز، انرژی و خدمات دولتی و...) است و این، از روندی است که نتیجه‌اش در قالب تداوم رکود تورمی ظاهر می‌شود. تداوم این وضع، همان است که در اصطلاح دانش اقتصاد، مجموع نرخ تورم و بیکاری – یا همان شاخص فلاکت – تداومی به نفع جریان‌های رانتخواه و ضد توسعه و بر ضد طبقه مستضعف و متوسط جامعه خواهد داشت.